

گفت و گو با سردار سرنیتپ احمد سوداگر، رئیس پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس، به مناسبت سالگرد عملیات کربلای ۵

نقش همبستگی سپاه و ارتش در موفقیت های جنگ

روز یکشنبه، بخش نخست گفت و گو صبحه ادب و فرهنگ یاداری با سردار سرنیتپ احمد سوداگر را حضور خوانندگان گرامی کردیم. آن چه در ادامه خواهیم خواند بخش دوم از همین گفت و گوست، با این توضیح که بخش های بعدی این مصاحبه نیز در هفته های آینده از نظر شما خواهد گذشت.

[کاوره / بهمن / قسمت دوم]

بخت همکاری سپاه و ارتش را داشته ایم معترض می کردید. می خواستیم یک مثال بزنید...

بله، برای مثال به ما می گفتند بروید و ببینید عراقی ها از کجا به دزفول موشت می زنند، ما می رفتیم نوبی منطقه عراق، پشت رادار و سایت و بیوزر، تا دوربح و این ها دنبال موشت عراقی می گشتیم، که مثلاً در فاصله مسجد- چهارصد متر یک پایشتمی آری بی، جی، زینم، ولو این که دیگر توانیم برگردیم، ما مثلاً در منطقه رفاقیه به همین صورت، با در منطقه میش داغ نوبی تنگه چترابه می رفتیم تا مثلاً یک نفر بزنیم یا چهار تا آدم را بزنیم و بیاییم. این خاطره ای که می خواهم تعریف کنم خیلی خاطره زینبایی است. آن روزها ما یک خمپاره ۶۰ روه شانه مان می گذاشیم و می رفتیم به عمق عراق. آن وقت هر بار که دو نفر را با خمپاره می زدیم، کلی لذت می بردیم. درست مثل این بود که فتح بزرگی کرده ایم. نوبی این مناطق همه مأموریت انجام می دادند. نوبی منطقه دارخوین- که نخبین طرح ریزی سپاه هم در دارخوین انجام شد- ما یک عملیات انجام دادیم که فقط توانستیم خط عراق را بشکنیم، ببینید، کار مهمی انجام ندادیم. بعضی توانستیم خط عراق را بشکنیم و داخلش حدود شومر، در عقب جاها حدود ۸۰۰ هزار متر و در بعضی جاها حدود یک کیلومتر رفتیم و خط عراق را شکستیم. پس این بار و به وجود آمده بود که ما هم می توانیم این خطوط را بشکنیم. همزمان هم نظام سیاسی تغییر کرد، بنی صدر رفت و حضرت امام (ره) خوشان فرمادگی کل قیابا پذیرفتند. شهید صیاد شیرازی وارد ماجرا شد و همراهی سپاه و ارتش شکل دیگری به خود گرفت. پس ببینید یک تغییر سیستم در داخل حکومت چه نقشی می تواند در جنگ داشته باشد. بنی صدر می رود، امام فرمادگی جنگ را برعهده می گیرند. همان روزها حضرت امام طی سخنانی شهید زنده که برپود خرمشهرتان را آزاد کنید، برپود ایادان را آزاد کنید، یعنی فرمان می دهند. شهید صیاد شیرازی که در درجه سرهنگی دارد، می آید و فرمانده نیروی زمینی می شود. آقای محسن رضایی که تا قبل از آن با طریق به وجود آمدن نوبی دوستی و صمیمیت و ارتباطات منطقه ای بین جنوب و غرب، کارها را پیش می برد، این بار می آید و فرمادگی را برعهده می گیرد. خودشان نقل می کنند که یک روز امام ما را خواندند و از من پرسیدند چندسال داردی؟ گفتم ۲۷ سال. گفتند تو فرمادگی کل سپاه هستی می گویند از ایشان پرسیدم من چه وظیفه ای دارم و حضرت امام فرمادگی: برو جبهه و همه چیز را ببر برای جنگ. فرمودند: برو به جبهه هابرس! این نقل خود آقای محسن رضایی است از حضرت امام. می گفتند نخبین و تنها تکلیفی که حضرت امام به من کردند این بود که برو جبهه ها را سر و سامان بده و به وضع جبهه هابرس. آن جایی که حضرت امام فرمادگی مسأله اصلی جنگ است، به آقای محسن رضایی هم می فرمادند برو به جبهه هابرس. بعد دیگر تغییرات اساسی و بنیادینی حاصل می شود، هم در ارتش منم قبول کردن سپاه و هم در عملیات برای وارد کردن



خلایقت های ما و یاتناسیلی که داشتیم، از آموزش های که دیده بودیم روز سه شنبه

دوره واقع آموزش برای ما درحکم ایزاری بود که از آن استفاده می کردیم تا دیگر ضریه نخوریم

که انجام دادیم و به مدد معابری که باز کردیم، نیروهای ما توانستند بدون درگیری و بدون برخورد با میدیان مین، به خاکریز عراق برسند. حال آن که عراقی ها اسلجانین چیزی را تصور نمی کردند. ما مثلاً در منطقه فتح المبین، وقتی ما وارد عین خوش و رفاقیه شدیم، عراق اصلاً تصور این را هم نمی کرد که نیرویی بتواند وارد این مناطق بشود. البته تعارض هایی هم وجود داشت. بعضی تعارض هایی هم داشتیم. ازجمله این که می گفتیم باید از عین خوش وارد بشویم؛ و این در حالی بود که برای مثال در عین خوش، شمال خوزستان برود و در سمت ایادان - درآن کوهها- مستقر شد. دیگر مجموعه تاکت و تجهیزات با آن دیسیپلین خاصی خودش نمی توانست بیاید. اما با وجود تعارضاتی که بین روش کلاسیک و روش ابداعی وجودداشت، بعضی از فرماندهان ارتش خیلی از این محاسبات کلاسیک را ازیر می گذاشتند و با شجاعت، هم خودشان می آمدند و هم نیروها و تجهیزاتشان را می آوردند. پس ما در کنار

سازماندهی و ابداعات و ابتکارات جدید، آموزش را هم فرامی گرفتیم.

مثلاً نخبین بار دوستان ارتشی بودند که برای من توضیح دادند که برآورد اطلاعاتی یعنی چه. پس من هیچ ابایی ندارم که این مسائل را مطرح کنم. چون وقتی می رفتیم شناسایی، می گفتم N تعداد تاکت، N تعداد نفربر، N تعداد فلان و N تعداد بهمان ... یعنی ما هیچ ابایی نداریم که بگوییم آموزش دیده ایم. بله، ما آموزش کلاسیک دیده ایم، ولی این که به اصطلاح انگیزه های ما را آموزش به وجود آورده یا انگیزه های ما محصولی از آموزش بوده باشد، این طور نبود.

ابتکارات ما محصول آموزش نبود. خلاقیت های ما و یا پتانسیلی که داشتیم، از آموزش هایی که دیده بودیم سرچشمه نگرفته بود. درواقع آموزش برای ما در حکم ایزاری بود که از آن استفاده می کردیم تا دیگر ضریه نخوریم. یعنی وقتی می فهمیدیم که در فلان نقطه N تعداد تاکت هست و آموزش ها به ما گفته بودند که برود این تاکت این اندازه است، ما می فهمیدیم که دیگر نباید در این نقطه قرار بگیریم و مجموعه ای از این قبیل کارها.

در عملیات والفجره تعداد زیادی از نیروها به آموزش غواصی احتیاج داشتند، در حالی که نیروهای سپاه تخصصی بود و می توانست در این زمینه به سپاه کمک کند.

اتفاق موضوع در اینجا برعکس می شود. البته اگر بخواهیم به این قصه بپردازیم، بحث خیلی طولانی خواهد شد. اما بنا نیست که ما در تمام دوره حیات مان مرتب از آموزش حرف بزنیم. برای مثال، ما دیگر خبرنگارید و می روید یک دوره خبرنگاری می بینید. این دوره را که دیدید، پنج سال هم کار می کنید و بعد بتدریج مجموعه ای از ابداعات هم از درون خودتان بروز می کند. آن وقت مثلاً می گوید می روم دربار بهرکاری گزارش تهیه می کنم. اما شما که دربار بهرکاری آموزش ندیده اید، اینها آگاهی هایی است که در ذهن خودتان به وجود آمده. ما در عین حال آن آموزش ها را در تقویت این آگاهی ها مؤثر بود است. حالا اگر ما بخواهیم وارد بحث عملیات والفجره و بعد هم وارد فتح و خیر بشویم، قصه عوض می شود. یعنی اینجا دیگر قصه آموزش فارغ شده است. آموزش، با عملیات بیت المقدس هم در خط ما آموزش کلاسیکی را که باید فرامی گرفتیم، فرارگرفته بودیم. بعد از انجام عملیات بیت المقدس، ما دیگر ظرفیت بالایی از آموزش و عملیات را هم انجام داده بودیم و هم به ناپهوش رسانده بودیم (به این نکته دقت کنید). عراق هم روز اولی که عملیاتش را انجام داد، ما دانستیم که این تعداد نیرو در خط مستقر شده. این را با ایمان و اساس می گویم؛ و ابرار عراق دقیقاً می دانست که چند تعداد نیرو در خط ما مستقر شده بود. دوم این که می دانست سپاهی نیست و سپاه وارد در داخل کشور انقلاب را به پیش می برد و موسم این که تجهیزات ما هم کاملاً برای عراقی ها ساخته شده بود. این سه فاکتور. پس معادله جنگ ایران و عراق در این شکل درمی آید: کل نیروهای مسلح ما مسالوی است (۱) ارتش؛ یعنی ارتشی با ویژگی های خاصی خودش، که با انقلاب مواجه شده، انقلاب را تحمل کرد، بعد از آن فرماندهانش قرار کرده اند، با آن تجهیزات و امکاناتی که ذکر شد و این که عده ای از آنها در نتیجه انقلاب نصیبه یا پاسکاری شده اند و همه اینها یعنی خوستر فقط یک لشکر از آن هم در منطقه وسیع و مهمی مثل خوزستان وان هم با ۲۵ هزار خدمت سربازی ۱۰۰ سپاه، یعنی سپاهی آموزش ندیده، سپاهی که یک طرف مسائل شهرستان ها و مسائل مختلف دیگر. بحث ببینید، این یک طرف معادله است. و بعضی کل نیروهای مسلح ما این است. حالا اگر بخواهیم طرف دیگر معادله را هم به شکل دقیق و ریزنگار کنیم، باید در مقابل بنویسیم: ارتش عراق یعنی ارتشی با موازید لشکر، ۹۵ تیب مستقر، که اگر فقط بخواهیم منطقه جنوب را هم ۶۰۰ نفر آموزش، که با شکر کامل و ۱۷ تیب مستقر. تجهیزات ما ۹۵ درصد استنداد سازمانی ما بدیتما هر کسی که با اقلیتی نفاغلی می باشد، اگر به این معادله نگاه کند، می گوید این طرف در مدت سه روز بر طرف غلبه می کند و در نتیجه انقلاب هم با شکست روبرو می شود. حالا چه زمانی است؟ اول جنگ. خوب، این تغییر و تحولاتی است که در اینجا صورت می گیرد. ببینید، در ارتش که تغییراتی نکرده، وقتی شما معادله ای می نویسید، در طرف معادله بعضی ضریهات که تغییر می کند، در سمت معادله راست، ارتش که تغییراتی نکرده، یعنی نه تجهیزاتی وارد شده، نه پاسکاری و مواظبات انقلاب تغییراتی کرده، نه بخش استقرار نیروها اقلانین پیدا شده، حال آن که در سپاه تیب و تحولات اساسی صورت می گیرد. اساسش هم این است که سپاه مأموریت پیدا می کند و می آید به جبهه و نکته بعدی این که مأموریت پیدا می کند تا نیروهای مردمی را هم در جنگ به کار بگیرد.

همه توانش در جنگ. از این جا به بعد دیگر همان منظومه ای که اشاره کردم شکل می گیرد و مجموعه نیروهای انقلابی با انگیزه بسیار بر شش پتانسیل شکل می گیرد. تجهیزات ندارند، اما در کنار ارتش می ایستند. شهید صیاد شیرازی می بیند پتانسیل بسیار بالایی اینجا طرح ریزی عملیات ها را به انجام می رسانند. آن اوایل قرار بود تا وجوددارد، تجهیزاتی هم این جا، پس می نشینند کنار هم و این قصه هر چه ریزی عملیات ها را به انجام می رسانند. آن اوایل قرار بود تا کار درستی نیست. آن هم ارتشی که قبل از انقلاب درگیر بود، همه طرح ها هم که وارداتی بود، همه تجهیزات وارداتی بود، مستشار هم وارداتی بود. خوب حالا عراقی که حداقل می شود گفت با مجوز آمریکا می وارد این جنگ شده، آیا همین کمک مستشاری را از آنها دریافت نمی کند؟ طبیعی است که دریافت می کند. آیا به عراق نروانده گفت که اینجا طرح هایشان که این شکل است، شما تانک نباشید؟ خوب این را همه می گویند. آن فرماندهانی که وابستگی داشتند، سربازهای ارتش می نشینند و فرار کردند، آیا آنها در کمک به عراق و تأمین نیازهای اطلاعاتی دشمن نقش نداشتند؟ خوب آنها هم نقش داشتند. مجموعه ای که ماندند مجموعه خلق صلاح شده ای بود. من در بعضی جاها این را گفته ام، مجموعه ای که ماندند حزب الهی های نیروهای مسلح بودند و چون به طور ذاتی و درونی حزب الهی بودند، در ارتش قبل از انقلاب هیچ نقشی نداشتند. یعنی اگر نقش داشتند که دیگر حزب الهی بودند و اگر حزب الهی بودند نه تنها نقش نداشتند، بلکه در معرض خشم رژیم شاه هم قرار گرفته بودند. خوب حالا این مجموعه باقی مانده می خواهد از انقلاب دفاع کند. اما هر کاری که می کند دشمن دستش را می خواند. این رویا را می بیند. خوب حالا این مجموعه باقی مانده می خواهد از انقلاب دفاع کند. اما هر کاری که می کند دشمن دستش را می خواند. این رویا را می بیند. اما بعد از آن همه آن تغییرات، سپاه و ارتش می آیند و کار خود در نتیجه آن اتحاد مبارک این عملیات ها به وجود می آیند. مجموعه فکر، اندیشه، مدیریت، توانایی و انگیزه بالا، انقلاب و ارتش، نیروهای مسلح می کنند، تجهیزات و امکانات و مجموعه آموزش ها هم از ارتش می آید. هر کدام را هم که از دیگری حذف کنید، آن یکی دیگر توانایی نخواهد داشت.

مردن این شرایط یکی از مشکلاتی که همیشه ازش صحبت می شود، هم ضربت آموزش است. یعنی سپاه به خاطر این که تازه کار را شروع کرده بود، تجربه ای در این زمینه نداشت

زمینه های آموزشی کمکی بودند؟

بله. من خودم در اطلاعات عملیات بودم. در مجموعه ارتش یک چیزی به اسم رک بود. مثلاً رک از طریق مکشبر داری هوایی و این جور کارها، موفقیت و وضیعت دشمن را تشخیص می داد. امیر مفید در رک دوی ارتش بود و من در اطلاعات عملیات سپاه، خیلی

جانب است. در جلسه هایی که تشکیل می شد، ایشان تصاویری هوایی را بر روی نقشه و دیده سانی ها توضیح می داد، ما هم می گفتم ما رقیتم اینجا برای آزاده ای باید باشد که مثلاً شما در دشمن در فلان موضع ۳۰ تا تاکت دارد، یا در بهمان موضع ۲۰ قفسه توپخانه و پنجاه تا سنگر انفرادی و ۲ تا سنگر اجتمایی مستقر کرده. ببینید، این اطلاعات دیگر در اختیار اتومبلی است. این رقتن به شناسایی و حرکت به شناسایی در عمق عراق ابداعی سپاه بود. یعنی یک پتانسیل و یک آزاده ای باید باشد که مثلاً شما در عملیات نمان ایلامه یک ماه تمام هر شب برپود شناسایی تا ببینید تعداد مین های دشمن در نقاط مختلف چندتا نیست، مثلاً در راهای شان چند تا است، موانع شان چند تا است و چند تا سنگر دارند. بعد تا آنجا می آید ما امیر مفید می نشینیم و حساب می کردیم که ۲۰ تا تاکت، این می شود یک گردان، پس گردان فلان این جا است، یا این ۲۰ تا توپخانه می شود چهار تا آتش بار، این چهار تا آتش بار هم مال فلان جاست، ببینید، این ها بعضی هایشان که اساساً ابداعی نیروهای مسلح ما بود، مثل اطلاعات موشک، مثل خاکریز زدن، مثل حرکت دورانی یا احاطه دوطرفه، که در عملیات فتح المبین انجام شد. اینها دقت کنار همکنر. ضمن این که در کنار همه این ابداعات، خیلی از مطالب کلاسیک را هم ما از ارتش یاد گرفتیم. یعنی همین که نخبین هر حرکت می کردیم و در حین عملیات بودیم، به صورت تدریجی و به صورت مرامتی، توانایی های ارتش را هم استنباط و درک می کردیم. لازمه کار هم همین بود؛ یعنی نمی شد به صدام گفت شما چندسال جنگ نکند تا کار ما بومد؛ آموزش ببینیم و برگردیم. درواقع، این مسائل را که ما دربار تا آنجا یاد گرفتیم، پس ببینید، ما آموزش ها را هم فرامی گرفتیم. اما نکته مهمتر این بود که ما در حین عملیات به این نتیجه رسیدیم که باید روش هایی را ابداع کنیم تا عراق در مقابل این روش ها ناتوان باشد، مثل یک پژوهشگر، وقتی کسی که شما می خواهید چیز جدیدی را ابداع کنید، یا این که کار جدیدی انجام بدهید، لزوماً باید فکر کنید. باید بتوانید گذشته را به کار بگیرید و تجربه کسی کنید، ولی در عین حال، باید برای آینده هم، مجموعه ای از خط سیرهای جدید را ترسیم کنید. برای مثال، وقتی در داخل خود وارد عراق رفتیم، به خاطر شناسایی هایی

به مدارگی که پس از تاریخ ذیل واصل گردد هیچگونه ترتیب اثری داده نمی شود. بدیهی است، پس از بررسی و ارزیابی مدارک واصل، متعاقباً طبق مقررات از سازندگان / تأمین کنندگان واجد شرایط جهت شرکت در مناقسه دعوت به عمل خواهد آمد. خاطرنشان می سازد که انتشار این آگهی به منظور شناسایی و ارزیابی تولیدکنندگان / تأمین کنندگان بوده و ارسال اسناد و مدارک فوق الذکر هیچگونه حقی برای شرکت کنندگان در قبال این شرکت ایجاد نمی نماید. شرکت هفتان است اقامم را به تفکیک و از فروشندگان مختلف خریداری نماید.

واجدین شرایط می توانند از تاریخ انتشار آگهی حداکثر تا تاریخ ۱۳/۱۱/۸۶ نسبت به ارسال اسناد و مدارک به شرح فوق به آدرس زیر اقدام نمایند:

تهران، بوار آفریقا، خیابان فرزنان غربی، شماره ۳۱، طبقه سوم، دفتر توسعه میدان گازی گشوی جنوبی و پالایشگاه، جهت کسب هر گونه اطلاعات بیشتر با تلفنکس شماره ۸۹۷۹۹۱۳۳ تماس حاصل گردد.



شرکت نفت مناطق مرکزی ایران

شرکت نفت مناطق مرکزی ایران در نظر دارد کالاهای مشروحه زیر را از طریق تولید کنندگان / تأمین کنندگان معتبر داخلی و خارجی تأمین نماید. لذا بدین وسیله از شرکت های فوق دعوت می گردد اسناد و مدارک خود را جهت ارزیابی و تعیین صلاحیت به این امور ارسال دارند.

شرح کالاهای درخواستی

ردیف	شرح مختصر کالاهای درخواستی	شماره تقاضا	مبلغ ضمانتنامه بانکی شرکت در مناقسه
۱	CMT Retainer (size: 9-5/8", 7" & 5")	SRP-3190669007	8,400,000
۲	Completion & production AC(H), B (H) 10000 psi	SRP-3190663013	206,000,000
۳	Downhole completion equipment sizes: 95/8" x 7", 7" x 4" 1/2" & 9-5/8" x 7" x 4-1/2"	SRP-3190669014	243,000,000
۴	Mills (Eco-Junk, Taper, Pilot) sizes: 17-1/2" --- 4-1/8"	SRP-3190669012	29,000,000
۵	DRLG. Bits (Rock, Insert, PDC...) sizes: 26... 4-1/8"	SRP-3190604017 & SRP-3190669015	294,000,000
۶	Whipstock System to mill 95/8" & 7" Csg	SRP-3190669008	20,000,000
		جمع	800,400,000

شرایط تولید کنندگان / تأمین کنندگان

- ارائه مستندات در خصوص سوابق کاری مرتبط با موضوع یاد شده.
- دارا بودن توان مالی کافی و تجربه موثر و مفید
- دارا بودن مجوز استفاده از کدهای استاندارد مورد نیاز (API/ISO)
- ارائه صرفه گیری 'HS'
- ظرفیت تولید
- دارا بودن نظام کیفیت و نحوه تضمین محصولات (گارانتی)
- تأمین کنندگان پایبستی کالاها را از سازندگان / تأمین کنندگان تأیید شده شرکت نفت مناطق مرکزی ایران تأمین کنند.

ب - شرایط خرید

- پرداخت از طریق کشایش L/C (اعتبارات استادی) جهت خریدهای خارجی و عقد قرارداد جهت خریدهای داخلی
- محل کالا به صورت مرحله ای (partial shipment) قابل قبول می باشد.
- تحویل کالا اعتباری برای شرکت نفت مناطق مرکزی ایران
- پرداخت ۲۵ درصد از کل مبلغ معامله به صورت پیش پرداخت در مقابل اخذ ضمانتنامه بانکی معتبر جهت خریدهای خارجی و ۲۰ درصد جهت خریدهای داخلی